

نقش مدارس در تربیت شهروند فعال

رضوان بذرگر^۱، اصغر شهریاری^۲

^۱ کارشناسی ارشد علوم تربیتی گرایش برنامه ریزی درسی

^۲ کارشناسی ارشد حسابداری

چکیده

فلسفه تشکیل هر نهاد یا سازمانی پاسخگویی به نیاز یا نیازهای معینی است و نظام آموزش و پرورش نیز از آن رو شکل یافته و قوام گرفته است که شهروندانی مؤثر و فعال را متناسب با نیازها و ارزشهای اجتماعی تربیت و تحویل جامعه نماید. رسالت آموزش و پرورش در همه دوره‌ها پرورش نسلهای انسانی برای برآوردن نیازهای جوامع بوده است. در این میان، تربیت شهروندی جایگاه ویژه‌ای دارد. مقاله حاضر با روش تحقیق اسنادی و کتابخانه‌ای و استناد به نتایج حاصل از پژوهشهای محققان در این زمینه در نظر دار نقش مدارس در تربیت شهروندان فعال و مؤثر و مطلوب را بررسی کند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که آموزش و پرورش یک کشور، نقش اساسی در تربیت شهروندان ان جامعه و آموزش و توسعه حقوق انسانی دارد. اینکه شهروندان بتوانند از نقش خود آگاهی یافته به آن ارج نهند و نیز مشارکتی فعال در سطح ملی داشته باشند، دلیل محکمی بر این موضوع است که نظام آموزش و پرورش باید به تربیت شهروندی کودکان و نوجوانان بپردازد. نظام آموزش و پرورش هر جامعه از آن رو شکل یافته و قوام گرفته است که شهروندانی مؤثر و مطلوب را متناسب با نیازها و ارزشهای اجتماعی تربیت کند و تحویل جامعه دهد.

واژه‌های کلیدی: تربیت شهروندی، شهروند فعال، مدارس، نظام آموزشی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه:

در گزارش اخیر مطالعه تربیت شهروندی «انجمن بین المللی ارزشیابی و پیشرفت تحصیلی» آمده است، تمام جوامع معاصر دارای این نگرانی و دلمشغولی عمیق هستند که چگونه نوجوانان و جوانان خود را برای زندگی شهری و شهروند مؤثر و فعال بودن آماده کنند و راه و رسم مشارکت در مسائل اجتماعی را به آنها بیاموزند (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۱). کانت تعلیم و تربیت را فرآیندی دموکراتیک تعریف کرده که وظیفه دارد افراد را در قبال جامعه خود فعال، آگاه و مسوول بار آورد، در سالهای اخیر، بیشتر کشورهای دنیا در حوزه تربیت شهروندی به انجام پژوهشهای گسترده، راه اندازی مؤسسه ها و انجمن های علمی و پژوهشی و آموزش های متناسب شهروندی دست زده اند. (قلتاش، ۱۳۹۱ به نقل از کریمی و ادیب، ۱۳۹۳) در کشور ما نیز بخش هایی از «سند چشم انداز بسیت ساله آموزش و پرورش» به مؤلفه های شهروندی و تربیت شهروند مطلوب و فعال اختصاص یافته است.

جایگاه آموزش و پرورش و مدرسه در تربیت شهروند فعال

از مهمترین رسالت ها و دلایل شکل گیری دستگاه تعلیم و تربیت در طول تاریخ بشری و توسعه آن به شکل کنونی آماده سازی شهروندانی متعهد، فعال و خلاق بوده است. در این راستا مدرسه به عنوان عنصری از آموزش و پرورش در جوامع امروزی بع عنوان حیاتی ترین دستگاه فرهنگی در تربیت شهروند مؤثر و فعال به حساب می آید؛ چرا که در پرتو آموزش های مدرسه است که شاکله شخصیتی و رفتاری دانش آموزان شکل میگیرد. بر پایه آموزش های رسمی و غیر رسمی مدرسه ای است که نظم و انضباط اجتماعی حالت نهادی به خود می گیرد و عامه مردم به طرف فرهنگ ترقی و توسعه حرکت می کنند. سرنوشت انسان در کلاس درس شکل میگیرد. (منافی شرف آبادی، زمانی، مهدوی خواه، ۱۳۹۴).

آموزش شهروندی در مدرسه

شهروندی یک فرایند مربوط به تمام عمر است و به همین جهت همه افراد در تمام طول زندگی خود نیازمند آن هستند که در زمینه های اخلاقی، رشد اجتماعی و دانش درک درست و عینی از جهان آموزش ببینند، در تمام تصمیم گیری های مربوط به خودشان در خانه و مدرسه و جامعه مشارکت کنند و به عنوان یک شهروند به صورتی فعال در مناسبات اجتماعی متناسب با احوال خودشان قرار گیرند. آموزش و پرورش باید به کودکان و نوجوانان کمک کند تا شهروندانی مسئول، مشارکت کنندگانی فعال در امور زندگی اجتماعی و فرهنگی، یادگیرندگانی موفق و علاقه مند و افرادی متکی به خود و قابل اعتماد بار آیند. وقتی که دانش آموزان به سن نوجوانی و جوانی میرسند مدرسه باید به آنان بیاموزد که چگونه یک زندگی مستقل برای خود ایجاد کنند و علاوه بر مهارت های ضروری، مشاوره و آموزش لازم در زمینه ادامه تحصیلات، پیدا کردن شغل، استقلال یافتن از خانواده، مدیریت امور مالی خود و آشنایی با قوانین و مقررات و ارتباط گیری با ادارات و مسئولان دولتی را به آنان آموزش دهد. نوجوانان و جوانان نیازمند ترکیب پیچیده ایی از شایستگی های فکری و رفتاری و مهارت های گوناگون نظری و عملی برای آغاز زندگی مستقل خود هستند.

مفهوم شهروندی و تربیت شهروند فعال و مطلوب

برای اینکه به طور دقیق با برنامه های مدارس و نقش آنها در تربیت شهروند فعال آشنا شویم لازم است یک تعریف درست از شهروند مطلوب را داشته باشیم و معنای تربیت شهروندی را به درستی درک کرده باشیم. شاگارسکی و میرز (۲۰۰۳) و کر و کلیور (۲۰۰۴) معتقدند که شهروند خوب فردی است مهربان، آگاه به مسائل سیاسی، صبور و. انتقاد پذیر، امیدوار، طالب گفتگو، خواهان مشارکت در زندگی اجتماعی، خواهان عدالت اجتماعی و طرفدار محیط زیست. آنها معتقدند که تربیت شهروندی اساسا باید نگران تعالی بخشی باشد که به واسطه آن شهروندان آگاه، فعال و پرسشگر بتوانند به طور مؤثر در زندگی مدنی خود مشارکت کنند. از دیدگاه این صاحب نظران، تربیت شهروندی باید بتواند به توسعه عدالت اجتماعی و احترام به هم نوع یاری رساند. ساختارهای طبقه ای، نژادی و جنسیتی و سایر عوامل تبعیض آور را تحلیل و نقد کند و هویت فرهنگی دانش آموزان را مورد شناسایی و تأکید قرار دهد. (کریمی، ادیب، ۱۳۹۳).

واضح است که نظام آموزشی هر کشور متأثر از نظام ارزشهای حاکم بر آن جامعه است و بالتبع تربیت شهروندی نیز باید در ارتقای فرهنگ و هویت دینی و ملی جامعه، انجام گیرد. در این راستا زندگی شهروندی باید محتوای عینی مرتبط با محیط زندگی ایرانی که دانش آموزان در آن به سر میبرند، داشته باشد. از چنین مسیری است که بومی کردن آموزش زندگی شهروندی محلی و ملی میسر میشود و مقدمه ای آموزش شهروندی جهانی را فراهم می آورد. با توجه به مباحث مطرح شده یک شهروند مطلوب و فعال برای جامعه ایران در سه حیطه یا قلمروهای خاص و دارای صلاحیت های معین می باشد که عبارتند از:

۱. **شناخت مدنی:** عبارت است از مجموعه ای از دیدگاهها، اطلاعات و درک و فهم مدنی که مؤلفه های آن عبارتند از: آگاهی از نحوه بدست آوردن اطلاعات، آگاهی از ساختار و نحوه عملکرد دولت، آگاهی از دیدگاههای احزاب عمده کشور، آگاهی از حوادث و رویدادهای جامعه، آگاهی از قوانین و مقررات اجتماعی و آگاهی از حقوق شخصی و بین المللی.

۲. **توانایی مدنی:** عبارت است از مجموعه ای مهارت ها و توانمندی هایی که هر فرد برای زیست در جامعه ای که در آن زندگی می کند، به آنها نیاز دارد و مؤلفه های آن عبارتند از: توانایی مشارکت با دیگران، توانایی انجام امور بدون اتکا به دیگران، توانایی اتخاذ تصمیم منطقی و توانایی رفتار بر اساس اصول اخلاقی و مذهبی مطلوب.

۳. **نگرش مدنی:** عبارت است از مجموعه طرز تلقی ها، باورها و دیدگاههایی که برای یک شهروند خوب و فعال باورهای مستقل، داشتن روحیه مسئولیت پذیری، بودن حس وطن پرستی، داشتن روحیه بردباری و تحمل، داشتن روحیه انتقاد پذیری، دارا بودن روحیه قدرشناسی نسبت به میراث فرهنگی و هویت مذهبی و ملی (فتحی، ۱۳۸۳)

مؤلفه های تربیت شهروند فعال توسط مدارس و معلمان:

مشارکت فعال:

مشارکت شهروندان در امور جامعه یکی از ارکان اساسی جوامع مردم سالار و مدنی است چرا که شهروندی در یک جامعه مدنی اول از همه با مشارکت فعال در مسائل عمومی مشخص می شود. به عقیده میشل والرز علاقه مندی به مسائل عمومی و دلبستگی

به اهداف عمومی علائم اصلی فضیلت مدنی می‌باشند. مشارکت در جامعه مدنی از روحیه عمومی بیشتری تغذیه می‌کند و بیشتر مربوط به منافع مشترک است. شهروندان در چنین جامعه‌ایی اگرچه قدیسان فارغ از خود نیستند اما حوزه عمومی را چیزی بیش از عرصه منازعه‌ای برای تعقیب منافع شخصی می‌دانند (روبرت پانتام، ۱۹۹۸). بنابراین اگر بخواهیم شهروندانی فعال و مشارکت‌جو در امور کشور تربیت کنیم شایسته است که در مدارس نیز دانش‌آموزان را در امور مختلف کلاس و مدرسه مشارکت دهیم (برخورداری و جمشیدیان، ۱۳۸۷). همچنین برای ایجاد عادات خوب در شهروندان لازم است دانش‌آموزان یاد بگیرند که به نظرات دیگران گوش بدهند، درجه مخالفت یا موافقت خود را با این نظرات مشخص کنند و موضع خود را در قبال موضوع مورد بحث مشخص کنند. برای پرورش این عادت معلمان باید در مورد موضوعاتی که برای دانش‌آموزان اهمیت ویژه‌ای دارد و تفکر آنها را تحریک می‌کند و آنها را مجبور می‌کند موضعی اتخاذ کنند که به بحث و تبادل نظر بپردازند (روزن، ۲۰۰۱). به نقل از برخورداری و جمشیدیان، (۱۳۸۷) بر این اساس محققانی که جو کلاس را مورد تحقق قرار داده‌اند نشان می‌دهند که دانش‌آموزان باید در شکل‌دهی ارزش‌ها و نگرش‌های سیاسی، اجتماعی و شخصی و عوامل مورد نیاز و مورد استفاده مشارکت فعال داشته باشند. مشارکت فعال عبارت است از «احساس یک نیروی درونی»، احساسات خوشایند درباره خود و موفقیت‌های آموزشی (کابو، ۲۰۰۰). به نقل از برخورداری و جمشیدیان

تفکر انتقادی

در واقع در جامعه مردم سالار وظیفه آموزش و پرورش عبارت است از آزاد کردن ذهن، تقویت قوای انتقادی، آشنا کردن ذهن با دانش و توانایی تحقیق مستقل، برانگیختن همدردی‌های بشری در آن و پرتو افکندن بر گزینش‌های اخلاقی و عملی آن. به علاوه این وظیفه نباید به طبقه فرعی معینی از اعضای جامعه محدود باشد، بلکه حتی الامکان باید تمام شهروندان را در بر گیرد. زیرا همه فراخوانده شده‌اند تا در فرایندهای بحث، نقد، گزینش و کوشش مشترک که ساختار اجتماعی مشترک به آن وابسته است شرکت کنند. فقدان داورهای ارزشی و تفاوت‌های لازم در بسیاری از نظام‌های آموزشی جوامع مختلف که ناشی از ضعف نظام آموزشی آن جامعه است، در بسیاری اوقات منجر به از دست دادن هویت واقعی ملی شده است (سجادی، ۱۳۷۸).

تصمیم‌گیری مدنی

کلاس‌های مطالعات اجتماعی محیط‌های ایده‌آلی برای پرورش مهارت تصمیم‌گیری در دانش‌آموزان می‌باشند. فارغ‌التحصیلان علوم اجتماعی در دهه گذشته به تدریج به اهمیت تصمیم‌گیری به عنوان یک شیوه آموزشی پی‌برده‌اند و آن را یک مهارت ضروری می‌دانند که نتیجه آموزش‌های شهروندی در مدارس می‌باشند. در متن مطالعات اجتماعی لازم است تصمیم‌گیری به صورت اجتماعی انجام شود و دو عنصر تعامل گروهی و بیان اخلاق را در بر داشته باشد (رونوی‌آلن، ۲۰۰۰). به نقل از برخورداری و جمشیدیان، (۱۳۸۷).

تشکیل انجمن‌های دانش‌آموزی

توسعه رفتارها و عادات شهروندی نه تنها نیازمند توسعه آگاهی و دانش مربوط به آن است بلکه نیازمند تمرین عملی و پرورش افراد در راستای این امر مهم است. در حقیقت عامل عملی و پرورش افراد به لحاظ اهمیت و ضرورت مهم‌تر از آموزش‌های پیش‌گفته است. بر ای تمرین عملی و پرورش شهروند لازم است افراد از سنین پایین عملاً در این ماجرا درگیر شوند (ذکاوتی، ۱۳۷۸).

در بسیاری از مدارس ابتدایی انجمن‌های دانش‌آموزی وجود دارد که در آنها قوانین و مقررات مدرسه از لحاظ مناسب بودن، معنادار بودن و سادگی در اجرا بررسی می‌شوند. انجمن‌های دانش‌آموزی مکانی ایده‌آل برای یادگیری مردم‌سالاری می‌باشند. اگرچه این انجمن‌ها مسؤولیت محدود دارند و اعضای آن معمولاً زود خسته و دلزده شده و از آن کنار می‌روند (برخورداری و جمشیدیان، ۱۳۷۸).

قوانین و مقررات کلاس

بعد از خانه، کلاس درس بهترین مکان برای تعلیم عدالت و قانون به دانش‌آموزان است. برای مثال در یکی از درس‌های مرکز تعلیم و تربیت شهروندی در آمریکا دانش‌آموزان منظره یک کلاس بی‌نظم را می‌بینند و در مورد مشکل آن بحث می‌کنند و پیشنهادهای برای بهبود آن ارائه می‌دهند. چنین درس‌هایی اهمیت قانون و قدرت‌هایی برای دانش‌آموزان روشن می‌کند. وقتی دانش‌آموزان مدارس ابتدایی به اهمیت قوانین یک کلاس خوب پی برده‌اند، آماده‌اند تا با معلمان درباره قوانین ضروری در کلاس و تقویت آنها بحث کنند. برای کمک به آنها ممکن است معلمان پیشنهادهای برای ایجاد قوانین در حوزه‌هایی مثل صحبت کردن، خوردن و نوشیدن، امنیت، دارایی و دیگر فعالیت‌های کلاس ارائه دهند. همچنین در مدارس مردم‌سالار، یکی از اهداف مهم ایجاد برابری حقوق شهروندی در میان تمام دانش‌آموزان می‌باشد؛ در واقع از نظر اجتماعی، کلاسی، مردم‌سالار و فراگیر است که هرچه بیشتر بتواند دانش‌آموزانی با حقوق برابر در خود داشته باشد. دانش‌آموزان دارای حقوق حقه خود وارد مدارس مردم‌سالار می‌شوند و سپس مسؤولیت‌پذیری را یاد می‌گیرند، در حالی که در مدارس دیگر حقوق مدارس زیر مجموعه‌ای از مسؤولیت‌ها بوده و تنها مسؤولیت اجازه بهره‌مند شدن از حقوق را میدهد. دانشمندان معتقدند این مسأله موجب از هم پاشیدگی و نابرابری رفتار دانش‌آموزان می‌گردد (تونی نایت، ۲۰۰۰، به نقل از برخورداری و جمشیدیان).

تأکید بر مباحث چالش برانگیز و پرهیز از کتاب محوری

پاتریک و هاگ معتقد بودند که در محیط آزاد کلاس که معلم بارها موضوعات بحث‌انگیز را در آن مطرح میکند و اجازه بحث آزاد در رابطه با این موضوعات را می‌دهد، بحث در رابطه با موضوعات جدال برانگیز باعث تحریک تفکر می‌شود، اما تأکید بر آزمون‌های مشروط و تلاش مضاعف برای مهار کردن رفتار دانش‌آموزان تنها در جهت سرد نمودن آنان در دست زدن به خطر و ریسک می‌باشد (تونی نایت، ۲۰۰۰). کوبلیک در تحقیقی که روی بچه‌های هشت تا ده ساله داشت به این نتیجه رسید که توانایی استدلال میتواند به وسیله آموزش‌های مردمی به دست آید. برخلاف شیوه حفظ مطالب از سوی عادت که معمولاً شیوه‌های

نامناسب برای کسب اطلاعات می‌باشد و دانش علمی را که پایه تفکرات اجتماعی است افزایش نمی‌دهد (برخورداری و جمشیدیان، ۱۳۷۸).

جو مناسب کلاس و مدرسه

متخصصان تعلیم و تربیت بر این عقیده‌اند که از معلمانی که روش تمرین آموزش مردم سالارانه را در پیشرفت حرفه خود و چگونگی به کارگیری این روش را در کلاس یادنگرفته‌اند نمیتوان انتظار داشت که مردم سالاری را در کلاس خود ترویج دهند. شواهد نشان می‌دهد که عوامل مهمی که بر جو کلاس تأثیر گذارند ممکن است به روشهای آموزش معلمان بستگی داشته باشد (کابو و کینی، ۲۰۰۰، ص ۲۶۷، به نقل از برخورداری و جمشیدیان، ۱۳۸۷). باید توجه داشت که چگونگی اداره کلاس درس بر برداشتها و دیدگاه‌های سیاسی کودکان اثری بر جای می‌گذارند. اتخاذ روشهای مردم سالارانه از سوی معلم، نگرشهای مردم سالاری را در کودکان پرورش می‌دهد و سبب تقویت آنها می‌شوند. متقابلاً اتخاذ روشهای استبدادی و سخت‌گیرانه، کودکان را به نظام‌های سلسله‌مراتبی گرایش می‌دهد و کنش آنها را نسبت به اقتدار قدرت تقویت می‌کند. روش اول بر نقش معلم به عنوان یک مدل رفتاری تأکید می‌گذارد در حالی که روش دوم بر اهمیت یادگیری اصرار دارد و برای آن ارجحیت قائل است (مهرداد، ۱۳۷۶، ص ۱۵۹).

پاسخگویی برنامه‌ها

جت معتقد است در مدارس مردم سالار زندگی غیر مفید مرگ زودرس می‌باشد که باید جداً در مورد آن فکر کرد. بطالت ناخواسته و اجباری، تنبیه بی‌رحمانه‌ای است که هنوز هم در کلاس‌های درس موجود می‌باشد. مدارس جهت بهره‌وری آینده برنامه‌ریزی شده‌اند و از دانش‌آموزان خواسته می‌شود که زندگی خود را همچون سفته در گرو بگذارند (تونی نایت، به نقل از برخورداری و جمشیدیان، ۱۳۸۷). در یک مدرسه مردم سالار فعالیتها جهت رضای نیازمندی‌های مقطعی طرح‌ریزی میشوند. مشکلات دانش‌آموزان آن دسته از مشکلاتی هستند که از نظر آنان واقعی خوانده می‌شوند. معلمان در کلاس درس باید بتوانند به دانش‌آموزان کمک کنند تا مشکلات خود را بیان کرده و با همکاری معلم و دوستان این مشکلات را برطرف کنند. هنگامی که افراد حس مثبتی از توانایی و کفایت خود در انجام کار داشته باشند بیشتر احتمال می‌رود که وظیفه‌ای که انتخاب نموده به آن پافشاری می‌ورزند و به تلاش خود در رسیدن به آن ادامه میدهند (جمشیدیان و برخورداری، ۱۳۸۷).

احترام به شأن افراد

شناخت شخصیت و شأن هر فرد جزئی مهم در جامعه مدرسه‌ای است که بر پایه اصول عدالت و ارزشهای شخصی بنا شده است. ریچاردسون می‌گوید: «جامعه مدرسه اجتماعی از غریبه‌های مرتبط به هم است که مجبورند با این مجبورند با هم تلاش کنند تا برای افزایش و نگهداری از آزادی هر فرد تکمیل آن تشکیلاتی روشنمنند بسازند». یک معلم به وسیله ساختاری که در

کلاس پیاده میکند و پروژه‌ها و جریاناتی که در کلاس تقویت می‌کند، مفهوم عدالت را نشان می‌دهد (کابو و کینی، ۲۰۰۰، به نقل از برخوردار و جمشیدیان، ۱۳۸۷) برای دستیابی به این هدف پیشنهاداتی ارائه می‌دهد، برای ایجاد جو کلاسی که در آن به حقوق فرد احترام گذاشته می‌شوند و یادگیری تجربی در آن ترویج داده می‌شود، او پیشنهاد می‌کند که افراد کلاس برای بحث آزاد باشند و با علاقه صحبت‌های دیگران گوش دهند و هنگامی که نظرات هم کلاسی‌ها و مربی مطرح می‌شود از قضاوت‌های بی‌مورد بپرهیزید (برخوردار و جمشیدیان، ۱۳۷۸)

اطلاع رسانی و جستجوی اطلاعات

یکی از بهترین خصوصیات یک شهروند خوب آگاهی اوست. برای رسیدن به این هدف راه‌های زیادی وجود دارد. در بسیاری از شهرهای بزرگ روزنامه‌ها قسمتی مخصوص دانش‌آموزان چاپ می‌کنند که در مدارس به صورت رایگان در اختیار آنها قرار گیرد (برخوردار و جمشیدیان، ۱۳۷۸) علاوه بر این دانش‌آموزان باید شیوه‌های جستجوی اطلاعات از کتابخانه‌ها، سایت‌های کامپیوتری و نشریات را یاد بگیرند تا هر روزه اطلاعات و آگاهی مورد نیاز خود را کسب کنند (لویز روزن، ۲۰۰۰، به نقل از برخوردار و جمشیدیان، ۱۳۸۷)

اهداف برنامه درسی مدارس در تربیت شهروند فعال و مطلوب

هدف، عنصر یا مؤلفه مهم هر طرح و برنامه است که جهت دهنده، هماهنگ کننده و انگیزنده فعالیت‌هایی است که در جهت حصول آن صورت می‌پذیرد. آنچنان که سیمای فکری و فلسفی و مفروضات مطرح در تربیت شهروند فعال مطرح شد؛ مشارکت فعال و مسؤلیت پذیری نقطه آغاز و پایان آموزش و تربیت شهروندی است. بر این اساس در تربیت شهروند فعال فراهم آوردن فرصت‌ها و زمینه‌های مشارکت و حضور دانش‌آموزان در تمام عرصه‌های مرتبط با زندگی حال و آیند نقش فعال در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی مقصد و مقصود این رویکرد در تربیت شهروندی است. توسعه فهم و دانش سیاسی و اجتماعی برای برعهده گرفتن نقش فعال و مؤثر در سطح محلی، هم ملی و سطح جهانی هم مورد توجه این رویکرد است (قلتاش، ۱۳۸۷).

اسلر و استارکی (۲۰۰۵) نیز در بحث هدف تربیت شهروندی فعال و دموکراتیک اشاره می‌نمایند که تربیت شهروندی بایستی با هدف ارتقای دانش، نگرش و توانمندی اجتماعی و شهروندی طرح ریزی و اجرا می‌شود تا دانش‌آموزان را در کسب صلاحیت‌های ایفای نقش شهروندی در عرصه محلی، ملی و جهانی در محترم شمردن هویت‌های چندگانه و تنوعات فرهنگی در محیط آکنده از صلح و صمیمیت یاری رسانند. در بیانیه یونسکو (۲۰۰۴) نیز آورده شده است که از طریق آموزش و پرورش برای شهروندی فعال و مسؤلیت پذیری نوجوانان بایستی؛ صلاحیت و اشتیاق برای زندگی با یکدیگر و حل تضادها در عرصه‌های مختلف را بدست آورند.

کلاگ و هالدن (۲۰۰۲) در بحث مقاصد و اهداف تربیت برای شهروند بر این باورند که مدارس نیاز به برنامه‌ی درسی دارند که:

«فرصت‌هایی برای توسعه و ارتقای ارزش‌هایی که مبتنی بر عدالت اجتماعی و اصول حقوق بشر است فراهم سازد.

*احترام به تفاوت‌های ملی، مذهبی و هویت‌های قومی را تشویق و باعقاید و رفتارهای نژادپرستانه مبارزه نماید.

*مدارس را با جامعه و اجتماعات محلی مرتبط و یادگیری بین فرهنگی را تشویق نماید.

*درباره دموکراسی و قانون (گذشته، حال و آینده) تدریس نماید.

*مشکلات محیط زیست و مسائل اقتصادی را در برنامه‌ی خود لحاظ نماید. مشارکتی و اجتماعی، حمایت و همراهی را آموزش دهد.

*تفکر انتقادی و یادگیری از طریق تعامل را آموزش دهد.

*فرصت‌هایی را برای بیان دلواپسی‌ها و داشتن انتخاب تدارک بیند (به نقل از قلتاش، ۱۳۸۷)

• ویلا و نیل (۲۰۰۴) نیز بر این باورند که برنامه‌ی درسی تربیت شهروندی کودکان را به عنوان بزرگسالان و شهروندان تلقی نماید که می‌توانند راه‌های تعامل و ارتباط با دیگران را تجربه نمایند. دیدگاه‌های خود را مطرح نمایند و از حقوق و مسؤولیت‌های خود آگاه باشند و از آن دفاع نمایند (اسلر و استراکی، ۲۰۰۵، ورهلن، ۲۰۰۰، و راج، ۱۹۹۹، به نقل از قلتاش، ۱۳۸۷). بعد از سال ۲۰۰۲ چند پروژه پژوهشی در وزارت آموزش و پرورش و مهارت‌ها و با همت اداره کودکان و نوجوانان انجام شد که پیامدهای آنها شناسایی راه‌های عملی مشارکت دادن نوجوانان و کودکان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی است (به نقل از قلتاش، ۱۳۸۷). توجه به مشارکت دانش‌آموزان و مورد مشورت قرار دادن آنها در قانون تعلیم و تربیت که در سال ۲۰۰۲ تدوین شد با این عنوان مورد توجه قرار گرفته که نظرگاه‌های دانش‌آموزان متناسب با سن و سال آنها و میزان درک آنها در تمامی تصمیماتی که در مورد زندگی تحصیلی آنها صورت می‌گیرد بایستی به حساب آورده شود (کیوکا، ۲۰۰۳، به نقل از قلتاش، ۱۳۸۷). کیوکا (۲۰۰۳) شهروند فعال را به عنوان فرایند درگیر کردن دانش‌آموزان در سازماندهی و اداره‌ی مدرسه و مشارکت آنان در جامعه بزرگتر تلقی نمایند. در بحث تربیت شهروندی فعال ضمن تأکید بر این نکته که مدارس بایستی دانش‌آموزان را با دانش، فهم و مهارت‌های پژوهش و تعامل آشنا سازند. سرفصل‌های زیر را تعیین نموده است:

• دانش و فهم درباره‌ی شهروندان خوب و رشد یافته شدن.

• ارتقای مهارت‌های پژوهشی و ارتباطات.

• ارتقای مهارت‌های مشارکت و اقدام مسؤولانه.

بر اساس آنچه ذکر شد هدف‌ها را در تربیت شهروندی فعال می‌توان به شرح زیر جمع بندی نمود:

▪ ارتقای دانش‌ها و توانمندی‌های شاگردان برای مشارکت فعال و شهروند مسؤولیت پذیر بودن.

▪ ارتقای دانش و توانمندی پژوهش شاگردان.

▪ کسب توانایی خلاق بودن.

- تشویق دانش آموزان برای ایفای نقش فعال در زندگی تحصیلی در مدرسه و جامعه‌ی محلی و در عرصه‌های ملی و بین‌المللی.
- آشنایی حقوق و مسؤولیت‌های خود در مدرسه، جامعه ملی، عرصه‌های ملی و بین‌المللی.
- تشویق دانش آموزان به احترام به تفاوت‌های فرهنگی، مذهبی و قومی و مقابله با باورهای نژادپرستانه.
- کسب دانش و نگرش جهت حفظ و ارتقای وضعیت محیط زیست.
- تشویق دانش‌آموزان در اینکه دلواپس عدالت اجتماعی می‌باشند (به نقل از قلتاش، ۱۳۸۷)

در برنامه ریزی درسی باید به دنبال چه اهدافی در زمینه تربیت شهروند فعال باشیم؟

اگر چه پاسخ به این سؤال مستلزم پژوهش و بررسی‌های متعدد در سطح کشور و بررسی نظرات و افکار رهبران و برگزیدگان تعلیم و تربیت است اما در یک چشم انداز کلی در برنامه‌های درسی و سایر برنامه‌های تربیتی باید به دنبال تحقق اهداف زیر بود:

۱. کمک به دانش‌آموزان در تعبیر و تفسیر ارزشها و مفاهیمی که توسط وسایل ارتباط جمعی، اینترنت و ... منتقل می‌شود.
۲. فراهم سازی مبنای لازم برای رشد روحی و روانی دانش‌آموزان
۳. توسعه حس قدرشناسی و تقدیر نسبت به میراث فرهنگی و تقویت هویت ملی
۴. افزایش مسؤولیت پذیری شخصی
۵. افزایش آگاهی و هوشیاری از قوانین و مقررات اجتماعی
۶. فراهم کردن راهنمایی برای رفتار در زندگی روزمره
۷. کمک به افراد جهت دستیابی به یک شخصیت مستقل و منطقی
۸. مبارزه با جرم و خطاهای موجود در دوران نوجوانی و جوانی
۹. مبارزه با بدرفتاری با محیط زیست
۱۰. افزایش و ارتقا علم (در سطح ملی و جهانی)
۱۱. افزایش و تقویت غرور و افتخار در سطح جامعه ملی
۱۲. تقویت مبنای خانواده
۱۳. افزایش احترام به روشهای عدالت، برابری و مانند آن
۱۴. تقویت و تسریع رشد و توسعه اقتصادی
۱۵. افزایش احترام و تساوی فرصت ها برای دختران و زنان
۱۶. جلوگیری از آسیب رسانی اجتماعی و افزایش بردباری و تحمل
۱۷. پذیرش نظم و تبعیت از قوانین اجتماعی (طالب زاده، نوپریان و فتحی واجارگاه، ۱۳۸۲، ص ۲۲۳).

ابعاد شهروند فعال

بعد شناختی شهروند فعال:

اولین بعد قابل توجه در تربیت شهروندی فعال، افزایش دانش و آگاهی‌های افراد از مؤلفه‌ها یا مصادیق شهروندی فعال و رشد مهارت‌های عقلانی وی برای تحلیل و ارزیابی هرچه بهتر مؤلفه‌ها یا رفتارهای شهروندی است. به عبارتی یک شهروند فعال در جامعه محلی، ملی و جهانی درک و فهم شایسته‌ای از رفتارهای شهروندی و ویژگی‌های شهروند فعال دارد. برنامه‌های درسی بایستی در اهداف پیرامون شهروندی سطوح پایه انتقال دانش تا سطوح عالی حیطه شناختی یعنی تحلیل و ترکیب و ارزیابی را مد نظر داشته باشند و علاوه بر اهداف محتوایی فعال و پژوهش محور و زمینه ساز نقد و تحلیل مسائل و موضوعات شهروندی را تهیه و تدوین و از روش‌های تدریس مناسب برای رشد مهارت‌های شناختی و عقلانی استفاده نمایند (قلتاش، ۱۳۸۷).

بعد عاطفی تربیت شهروند فعال:

دومین بعد مهم برنامه درسی تربیت شهروند فعال، توسعه نگرش‌های شهروندی، ایجاد انگیزه و عواطف مثبت نسبت به رفتارها و موضوعات شهروندی است. توسعه این بعد تربیتی همواره فرد را مجهز به راه‌های انجام تلاش و اقدامات سازنده شهروندی خواهد ساخت، چرا که انگیزش و عواطف مثبت انرژی لازم برای انجام فعالیت‌ها می‌باشد. بر این اساس ضرورت دارد که در طراحی برنامه درسی عوامل انگیزشی همواره در نظر باشد تا در مرحله اجرا و عملیاتی نمودن ضامن موفقیت باشد (قلتاش، ۱۳۸۷).

بعد عملکرد تربیت شهروند فعال:

در این بعد توسعه توانمندی‌ها و مهارت‌های شهروندی و اجتماعی دانش‌آموزان مدنظر است. مهارت‌های اجتماعی و شهروندی فعال به واسطه تدارک فرصت‌های مشارکت و تعامل دانش‌آموزان در فرایندها و فعالیت‌های یاددهی و یادگیری ارتقا می‌یابد. به طور مسلم توسعه و ارتقا مهارت‌های شهروندی فعال نیازمند طراحی دقیق فرصت‌ها و فعالیت‌های شهروندی در برنامه درسی و اجرای شایسته آن است. در این ارتباط جایگاه روش‌های تدریس اساسی‌تر به نظر می‌رسد، چرا که برای فرآیند عملیاتی نمودن برنامه (اهداف و محتوا) منظور شده است. علاوه بر این مدارس بایستی فرصت‌های مشارکت و تعامل را برای یادگیرندگان در جای جای مدرسه فراهم سازند. نه تنها برنامه درسی و معلم وظیفه هدایت و ارتقای بعد عملکردی یا مهارتی شهروندی را برعهده دارند بلکه مدیریت مدرسه باید با تقویت شوراهای و انجمن‌های دانش‌آموزی و با واگذاری مسوولیت‌ها و فعالیت‌ها، فرصت‌های توسعه بعد مهارتی شهروندی را مهیا سازند (قلتاش، ۱۳۸۷).

نمودهای شاخص تربیت شهروند مطلوب، فعال و جهانی در مدرسه:

همانطور که اذعان شد، آموزش و پرورش باید دانش‌آموزان را نه فقط برای زندگی در جامعه خود و درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی زندگی، بلکه برای زندگی در جامعه جهانی تربیت کند؛ شهروندانی که تنها متعلق به جامعه، شهر و روستای خود نبوده و برای تداوم زندگی می‌توانند با شهروندان جوامع دیگر تعامل داشته

باشند. بنابراین زمانی دستگاه تعلیم و تربیت در رسیدن به اهداف و رسالت‌های خود موفق خواهد بود که بتواند شهروندانی آگاه، مسئول و خلاق تربیت کند و این امر جز از طریق تربیت شهروندی مطلوب و ارتقای فرهنگ شهروندی قابل اجرا در مدرسه میسر خواهد شد. مدرسه باید وظایف تربیتی خود را به انجام برساند و برای ارتقای توانایی‌های دانش‌آموزان، از جنبه‌های شخصی و اجتماعی تلاش کند؛ به طوری که قادر به تعمیم تجربیات مدرسه‌ای خود در سطح جامعه باشند. برای تحقق رسالت مذکور، مدرسه به عنوان نمونه کوچکی از جامعه و در برگیرنده بخشی از نقش‌آفرینان آینده جامعه، نقش‌های زیادی از جامعه را در دل خود نهفته دارد. این نقش‌ها به مثابه نمونه‌های تربیت شهروند فعال و جهانی قابل اجرا در مدرسه، فرصتی مناسب و در عین حال تمرینی کم‌خطر و پر ثمر برای نقش‌آفرینی آینده دانش‌آموزان خلق می‌کند؛ نمونه‌های شهروندی که نمونه‌های واقعی آن در جامعه موجود است و دانش‌آموزان بر حسب علاقه، توانایی، پیشینه شغلی و خانوادگی و غیره در این نمونه‌ها نقش‌آفرینی می‌کند و با وظایف و حقوق خود در آن نقش و همچنین سایر نقش‌های موجود در جامعه جهانی آشنا می‌شود (شرف‌آبادی، زمانی، مهدوی خواه، ۱۳۹۴).

۱. پزشک مدرسه:

برای ایجاد جامعه‌ای مترقی در عرصه جهانی، نیاز به شهروندانی سالم داریم. بدون داشتن سلامت و تندرستی در جامعه از داشتن شهروندانی سالم، فعال و اندیشمند محروم خواهیم بود. بعد از خانواده، مدرسه مهم‌ترین نقش را در راستای سلامت کودکان و نوجوانان دارد. یکی از بهترین راههای آموزش مهارت‌های سلامتی به دانش‌آموزان، سپردن نقش «پزشک خانواده» به آنهاست و انتقال مطالب از طریق آنان به سایر فراگیران است. تا از این طریق آنان با یکی از نقش‌های واقعی موجود در جامعه آشنا خواهند شد. و ضمن ایفای نقش واقعی در امور مربوط، تعریفی به دست می‌دهد که یک پزشک به عنوان شهروند چه حقوق و وظایفی در قبال بیماران و سایر شهروندان دارد و سایرین را نیز نسبت به حقوق خود در برابر پزشک مطلع می‌کند.

۲. قاضی مدرسه:

اجرای عدالت و برقراری مساوات به عنوان یکی از حقوق شهروندان از جمله مهارت‌های لازم دانش‌آموزان به عنوان شهروند جامعه است. قرار گرفتن در مقام یک قاضی برای دانش‌آموزان علاقه‌مند می‌تواند ضمن کسب تجربه‌های گرانسنگ برای خود دانش‌آموزان، سایر دانش‌آموزان را نسبت به شرح وظایف قاضی و مجریان برقراری عدالت آشنا کند. همچنین دانش‌آموزان به این سطح از آگاهی می‌رسند که باید استیفای حق و حقوق تضییع شده و اجرای عدالت را به قاضی متخصص واگذار نمایند.

۳. فروشنده مدرسه:

گسترش رو به رشد جوامع بشری بر اهمیت علم اقتصاد و مسائل مربوط به آن افزوده است؛ به گونه‌ای که اگر افراد جامعه درک درستی از آداب و رسوم و فرهنگ اقتصادی نداشته باشند، جامعه به زودی با مشکلات و ناهنجاری‌های عدیده‌ای رو به رو خواهد شد. از همین رو ایجاد زمینه ایفای نقش در فروشنده مدرسه به عنوان نمادی از نقش‌های

متعدد اقتصادی موجود در جامعه، می‌تواند ضمن فراهم کردن موقعیت آزمایش کسب تجربه در این زمینه برای دانش‌آموزان، خود ایفاگر نقش و سایرین را با آداب و احکام اصول اقتصادی در جامعه آشنا کند.

۴. شورای مدرسه:

تشکیل شورای مدرسه یکی دیگر از زمینه‌های تربیت شهروند فعال در مدرسه است که دانش‌آموزان از این رهگذر مشارکت در اداره امور مدرسه، فرایند ثبت نام و گزینش نامزدهای انتخاباتی، تبلیغات نامزدها، اجرای انتخابات، نتایج انتخابات و غیره، نمونه بسیار مناسبی برای تمرین مشارکت در امور اجتماعی و حضور در صحنه‌های سیاسی کشور است.

از سایر نمودهایی که زمینه تربیت شهروند مطلوب و فعال را در محیط آموزش و پرورش می‌سازد، می‌توان به: مدیر مدرسه، روحانی مدرسه، پلیس مدرسه، شهردار مدرسه، مشاور مدرسه و ... اشاره کرد. (شرف‌آبادی، زمانی، مهدوی خواه، ۱۳۹۴). در نهایت نتیجه اجرایی کردن این نمودهای تربیت شهروند مطلوب و فعال در مدرسه را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. تقویت وجدان کاری و گسترش عمق نظم‌پذیری اجتماعی در تمام پهنه‌های زندگی
۲. تقویت مهارت‌های اجتماعی در قدرت‌سازگاری با دیگران
۳. تقویت روح همکاری، همدلی، فداکاری و همزیستی
۴. ایجاد حسن احترام به خود، دیگران و تحمل عقاید دیگران
۵. شناخت اصول، قانون‌مدیها و تبعیت از آنها در هنگام برخوردهای فردی و اجتماعی
۶. تمرین مشارکت جمعی، تصمیم‌گیری جمعی و مشخصه‌های آن.
۷. رفع عوارض روانیاجتماعی در فرآیند تعاملات بین‌فردی؛ مانند انزواجویی، رقابت‌های تخریب‌کننده و ترس‌های اجتماعی. (شرف‌آبادی، زمانی، مهدوی خواه، ۱۳۹۴)

نتیجه‌گیری:

نظام آموزش و پرورش هر جامعه از آن رو شکل یافته و قوام گرفته است که شهروندانی مؤثر و مطلوب را متناسب با نیازها و ارزشهای اجتماعی، تربیت و تحویل جامعه کند. لذا تربیت شهروندی یکی از مهم‌ترین مسائل و دلمشغولی‌های نظام‌های آموزش و پرورش در کشورهای مختلف جهان است. تربیت شهروند مطلوب و فعال یکی از مهم‌ترین وظایف نظام‌های آموزشی است و از طرق گوناگون برای تحقق آن تلاش می‌شود. متأسفانه در نظام آموزش و پرورش ایران بویژه برنامه‌های درسی مدارس توجه لازم به تربیت شهروندی نمی‌شود و صرف نظر از آنکه برنامه درسی ویژه‌ای تحت عنوان "آموزش شهروندی" وجود ندارد. بنابراین همانطور که در متن مقاله حاضر نیز راجع به مفهوم تربیت شهروندی و ابعاد و مؤلفه‌های آن بحث شد لازم است خوانندگان بالاخص دستگاہهای تربیتی و مدارس پیشنهادات و راهکارهایی را که ارائه شد بکار گیرند تا به تربیت شهروندانی مفید، مؤثر، مطلوب و فعال همت گمارند تا شهروندانی آگاه، مسؤؤل و متعهد را تربیت کنند.

منابع:

- برخورداری و جمشیدیان، (۱۳۸۷)، تربیت شهروندی (با تاکید بر مؤلفه ها)، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.
- ذکاوتی، قراگزلو، علی، (۱۳۷۸)، نقش تعلیم و تربیت نسل جدید در تحقق جامعه مدنی، فرهنگ عمومی، شماره ۱۶ و ۱۷
- سجادی، سید مهدی، (۱۳۷۸)، نقش نظام آموزشی در بهبود روند توسعه سیاسی، همایش آزادی و تحقق آن، دانشگاه تربیت مدرس.
- طالب زاده، نوبریان، محسن و فتحی واجارگاه کوروش، (۱۳۸۲)، مباحث تخصصی برنامه ریزی درسی، تهران: آییژ
- فتحی واجارگاه، کوروش، (۱۳۸۱)، برنامه های درسی تربیت شهروندی، اولویتی پنهان برای نظام آموزش و پرورش ایران، مجله پرورش دانشگاه اصفهان، جلد چهارم، شماره ۲
- فتحی، کریم، (۱۳۸۳)، اصول، اهداف و راهکارهای تربیت مدنی، پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- قلتاش، عباس (۱۳۸۷)، نقد و بررسی عناصر بر نامه درسی در رویکردهای پیشرفت نژاد و محافظه کار تربیت شهروندی، فصلنامه دانش و پژوهش در علوم تربیتی، بهار و تابستان، شماره ۱۸ و ۱۷، صص ۲۷-۴۸
- کریمی، فرهاد، وادیب افشین (۱۳۹۳) تعلیم و تربیت شهروندی، فصلنامه رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره ۱۶، شماره ۳ صص ۲۵-۲۴
- مهردار، هرمز (۱۳۷۶)، جامعه پذیری سیاسی، تهران: انتشارات پازنگ
- منافی شرف آبادی، کاظم، زمانی، الهام، مهدوی خواه علی (۱۳۹۴) الگوی کارآمد تربیت شهروند جهانی در بستر نظام آموزش و پرورش، سال نهم، شماره ۴۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی